



پیش!

گرامی یاد خاطره شکوهمند نهضت ۲۱ آذر و مبارزات دموکراتیک مردم آذربایجان



گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران

نهضت ۲۱ آذر امسال ۷۸ ساله شد. امروز سالگرد ۲۱ آذر، روز به حقیقت پیوستن رویای بزرگ آزادی برای مردم آذربایجان است. همچنان که شعله های زندگی بخش این نهضت از دلهای مردم زدودنی نیست، دشمنی دیرینه رژیمهای سلطنتی و اسلامی هم بی پایان است. متأسفانه طی این مدت با سیاهنمایی های دو حکومت اقتدارگرای شاهنشاهی و جمهوری اسلامی در رابطه با این حرکت مردم آذربایجان، هنوز حق مطلب ادا نشده است. هنوز جو دشمنانه ایجاد شده از طرف این منادیان فساد و جنایت، از حیات مردم آذربایجان و حکومت ملی شان در ۷۸ سال پیش رخت برنسته است! هنوز با مسموم کردن جو تفکر و باز اندیشی در ریشه های تاریخی و فرهنگی این نهضت، علل بوجود آمدن آن، دستاوردهای بزرگ آن، درسها و تجربیات لازم گرفته نشده است. هنوز درسهای گهرباری برای فراگرفتن در نهضت ۲۱ آذر در تمام عرصه های کارگری، دهقانی، زنان، جوانان، شکوفایی زبان مادری و... نهفته است. درس گرانیهای دیگری نیز در همبستگی بین مردم آذربایجان و کردستان و تشریک مساعی بین آنها و تامین جو دوستی و برادری مابین آنان نهفته است که مراجعه به آن برای ایجاد روابط درست، سالم و عادلانه در آتیه بسیار ضروری می باشد.

نهضت دموکراتیک ۲۱ آذر بر بستر ظلم و ستم بی حد و حصر زمینداران بزرگ که دربار بخش اعظم انرا تشکیل می داد و تمام زندگی دهقانان را اسیر زیاده خواهی های خود کرده بود، بوقوع پیوست. فساد همه جانبه و دزدی و غارت دستگاه دولتی و زورگویی عمال ژاندارمری کارد را به استخوان بخصوص دهقانان آذربایجان و دیگر نقاط ایران نهاده بود. همین امر سبب قیام در بین دهقانان آذربایجان شده بود! قیام "قاسم خان صومالی" در نزدیکی های سراب، قیام "جمال" در میانه، قیامهای مشابهی در منطقه قره داغ، هشتروند، مراغه، شیشوان (که در این حرکت دهقانی، فدایی نامدار زنده یاد صفرخان قهرمانی نیز

اشتراک داشت و هدف آن، برافراشتن علم طغیان علیه اربابها جهت رفع ظلم از دهقانان بود) تنها گوشه‌ای کوچک از جنبش عدالتخواهی بود که منجر به ۲۱ آذر گردید. اتحادیه کارگران آذربایجان در روزگار آغازین نهضت ۲۱ آذر حدود ۲۰ هزار نفر عضو داشت که یکی از متشکل‌ترین تشکلهایی بود که با روی کار آمدن فرقه به آن پیوست. دهقانان پیشینه حداقل یک دهه مبارزه جدی علیه اربابان چپاولگر و زورگو را داشتند؛ عبارتی کمتر منطقیه ای را در آذربایجان می توانستید سراغ بگیرید که مترصد تصادم اجتماعی و انفجار انقلابی نباشد، جای تعجب نبود که پا به پای روی کار آمدن فرقه، بلافاصله قوانین کارگرسنیز دوره اختناق رضاشاهی لغو گشته قانون بیکاری، قانون ۸ ساعت کار تصویب، قراردادهای دسته جمعی بین کارگران و کارفرمایان منعقد، بیمه کارگران اجباری و فعالیت در سندیکاها، قانونی گردید.

"اصلاحات ارضی" که خواست عمده مردم آذربایجان بود (طبق آمار رسمی بیش از ۷۰ درصد آنرا دهقانان تشکیل می دادند) با توجه به ظرایف بکار بسته شده، انسان را انگشت به دهان می گذارد: اصلاحات ارضی تنها شامل زمینهای اربابان فراری از آذربایجان و زمینهای موقوفه می گردید. قبل از اقدام به تقسیم اراضی، می بایستی زمین به اندازه کافی برای تاسیسات عام المنفعه در روستای مورد نظر از جمله برای بیمارستان، مدرسه و غیره اختصاص می یافت. دهقانان حق فروش زمین را نداشتند و از کسانی که از کاشتن زمینهای داده شده، امتناع می ورزیدند، زمین پس گرفته می شد. با تصویب مجلس ملی، ضرایبی برای هر کدام عوامل کشت (زمین، آب، کار، بذر و تخم) و عوامل دیگر (آبی یا دیم) در نظر گرفته می شد که محصول کشاورزی بر اساس آنها بین مالک و دهقان تقسیم می شد. ابتدا ۲۰ درصد محصول بابت درو و سایر خدمات کاشت و برداشت به دهقان تعلق می گرفت و سپس محصول به نسبت ضرایب بالا بین دهقان و مالک تقسیم می شد. ضمناً دهقانان در شوراها دهقانی خود متشکل شده و مبارزه سازمان یافته خود را به پیش می بردند.

در عرصه های دیگر اجتماعی و در بین اقشار مختلف جامعه، تشکل برای دستیابی به مطالبات سازمان یافته، مقصود اصلی حکومت ملی آذربایجان بود. این امر بیش از هر چیزی سبب نزدیکی آپارات دولتی به مردم و نهادهای مردمی گردید. تشکیلات زنان یکی از فعال ترین تشکلهای موجود در جامعه بود. افزون بر این، زنان چون نیمی از جامعه محسوب می شدند، برای اولین بار در ایران و آسیا و حتی پیش از بسیاری از کشورهای اروپایی به حق انتخاب شدن و انتخاب کردن دسترسی پیدا کردند. جوانان بسان آینده سازان کشور در جوی دموکراتیک متشکل شده و در راه مطالبات دموکراتیک و رشد و اعتلای خود، آغاز به تلاش کردند. کارگران، اصناف متنوع اجتماعی با انتخاب سندیکاها، انجمن ها و شوراها خود، مهر دموکراتیک دیگری بر حیات اجتماعی و صنفی خود گذاردند. زبان مادری که با به قدرت رسیدن حکومت پهلوی در بند و زنجیر افکار فاشیستی و شوونیستی اسیر شده بود، با روی کار آمدن حکومت ملی دوره شکوفایی خود را آغاز و شاعران و نویسندگان مردمی آذربایجان، نغمه ها، اشعار و آثار خود را به زبان ترکی خلق کردند، شکوفایی زبان مادری در یکساله فرقه، ادبیات آذربایجانی را بیش از دوره ۲۵ ساله پهلوی رشد داد. مردم در چنین فضای آینده از معنویات و احساسات عمیق آغاز به زندگی واقعی کردند. تئاتر ملی به زبان مادری، آثار نویسندگان بزرگ آذربایجانی، ایرانی و سایر کشورها را در تئاتر "بالا باغ" به نمایش گذاشت.

آنچه مسلم است ۲۱ آذر بر بستر ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی و عمال آن از جمله زمینداران بزرگ، ارتش و ژاندارمری بعنوان بازوی مسلح آنان در جامعه ایران بوجود آمد. برعکس ادعای دشمنان جنبش ۲۱ آذر، این تناقض جامعه ایران و تضییق حقوق مردم و ظلم فاحش اربابان و ملاکان بزرگ بودند که جامعه را در آستانه یک تصمیم گیری تازه ای قرار دادند. کسانی که بر اریکه پادشاهی تکیه زده و قانون مشروطیت را که خونهای یک انقلاب همگانی و دموکراتیک بود، زیر پا لگدمال کرده بودند، باید منتظر عکس العمل جامعه می بودند! کسانی که به عمد بر این تناقضات و جنبش دادخواهی چشم می بندند و دخالت بیگانه را در سرلوحه حوادث قرار می دهند، یا فریبکارانی هستند که بر بستر فقدان آگاهی عمومی و با جعل واقعیات، هیاهوی تبلیغاتی راه می اندازند تا به چشم حقیقت خاک بپاشند و یا ناآگاهانی که با امر تاریخ بشکل عامیانه برخورد می کنند.

متأسفانه از بدو آغاز به کار فرقه، رژیم دیکتاتوری پهلوی مترصد حمله سازمان یافته به آذربایجان بود. نهضت ۲۱ آذر که در بین نیروهای سیاسی جامعه خصوصاً احزاب سراسری در تهران و شهرستانها از پایگاه وسیع حمایتی برخوردار بود، نتوانست از موقعیت پیش آمده در راه بسیج و سازماندهی و به کار گیری حداقل این نیروی فعال استفاده لازم را بنماید و رژیم ارتجاعی پهلوی با نخست وزیری سیاستمدار وابسته و عوام فریبی چون قوام السلطنه توانست ابتداء زمان لازم را برای راست و ریس کردن امور بخرد و با فریب دولت اتحاد شوروی بر سر نفت شمال و خشی کردن آن، نهضت مردمی ۲۱ آذر را به قربانگاه جهل و جنایت بکشاند.

متأسفانه حکومت ملی آذربایجان در اولین سالگرد این نهضت در دریای خون غرق گردید؛ رژیم پهلوی انگار که به کشور خود نه، بلکه به سرزمین دیگری حمله کرده بود، در سردرگمی رهبری نهضت، طی چند

روز بیش از ۲۵ هزار نفر از مردم شریف و زحمتکش آذربایجان را طعمه تیغ جهل، انتقام و جنایت خود و عوامل لومپن خود از بین برد. بیش از ۳۰ هزار نفر دستگیر، زندانی یا تبعید شدند و ۷۰ هزار نفر در آن شرایط فلاکتبار، پناهنده کشور شوروی گردیدند. تبعات سیاسی، ملی - فرهنگی شکست نهضت ۲۱ آذر آنچنان بزرگ، جنایت آمیز و پایدار بودند که آذربایجان را مدت ۳۲ سال در حصار امنیتی رژیم سلطنتی چون اسیری دست و پا بسته نگه داشت. ۲۹ بهمن ۵۶ خود، زاده چین ظلم و ستم هولناکی بود.

برعکس ادعای دشمنان نهضت آذربایجان، حکومت ملی و شخص پیشه وری را سودای جدایی از ایران در سر نبود، چه اگر چنین بود، می توانست آنرا با یک اقدام سیاسی چون "رفراندام" عملی سازد، ولی چنین نبود زیرا آنها چنین اعتقادی نداشتند. شاید کسانی در درون آپارات دولتی جمهوری آذربایجان در دل چنین آرزویی داشتند ولی آنرا نمی توان به پای حکومت ملی و رهبر آن م. ج. پیشه وری نوشت. باقروف از طریق بوروکراتیک و سلسله مراتب حزبی به مقام رهبری حزبی و دولتی آذربایجان رسیده بود و خود در هیچ انقلابی شرکت نکرده بود؛ طبعاً او را یارای چنان وسعت دید و شخصیتی خود ساخته چون پیشه وری نبود که خود بزرگ شده در دامان انقلابات گوناگون و حوادث متعدد انقلابی بود. پیشه وری خود با صراحت لهجه عدم تمایل خود از جدایی از ایران را بکرات متذکر شده بود! این ترفند دشمنان نهضت ۲۱ آذر و خصوصاً رژیم استبدادی پهلوی بود که بخاطر توجیه جنایات خود و صحنه نهادن به ادعای "نجات آذربایجان" که خود چیزی جز اسارت آذربایجان نبود، دست به چنین سیاه نمایی ها و ادعاهای دروغین بزند.

آنچه بر اینهمه باید اضافه کرد برخورد روحانیت این پاسداران جهل و ناآگاهی مردم با حکومت ملی و به تبع آن با رژیم جنایت پیشه پهلوی بود؛ شاه که در خرداد ماه ۱۳۲۶ "پیرومندان" از "تبریز شکست خورده" دیدار می کرد، بشکل رسمی مورد استقبال خیل عظیم روحانیون آذربایجان قرار گرفت. آنها از تفقد شاهانه سپاسگزاری کردند و عنایت ملوکانه را از شاه طلب کردند. بدینوسیله رابطه روحانیت و سلطنت (این دو عامل عقب ماندگی جامعه) که به سبب بعضی اقدامات ظاهراً "مدرن رضاشاه ترک برداشته بود، دوباره احیاء گردید. روحانیت در دوره یکساله حکومت ملی حرکت موزیانه و دشمنانه ای با آن داشت و در فردای شکست نهضت، چشم بر تمام جنایات عوامل رژیم بست و در بیشتر موارد از جنایتکاران حمایت کرد.

شاید اگر بخت یار آذربایجان بود، رهبران برجسته آن چنان اشتباهاتی مرتکب نمی شدند، بر حمایت اتحاد شوروی که سر بزنگاه پشت نهضت ۲۱ آذر را خالی کرد اکتفا نمیکردند و اگر کارها بر وفق مراد می چرخید، بخش بزرگی از مطالبات انقلاب مشروطیت که تا همین امروز هم بی جواب مانده است، جواب لازم را می گرفت!

در ۷۸ مین سالگرد ۲۱ آذر ضمن گرامیداشت یاد قربانیان این نهضت، بر خواسته های برحق آن تاکید کرده و یادآور می شویم که هنوز سرود زندگی ناشی از وجود پر تلاطم آن، در دل هر آزادیخواه و آزاداندیشی ترنم ویژه ای دارد.

۲۱ آذر بر تارک مردم قهرمان آذربایجان همواره درخشان خواهد ماند.

زنده باد خاطره جنبش تاریخی ۲۱ آذر و گرامی باد یاد قهرمانانی که انرا آفریدند.

گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران

۲۱ آذر ۱۴۰۲